فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره نوزدهم. بهار ۱۳۹۷، صص۶۸-۵۵ Vol 2. No 19. 2018, p 55-68
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

بررسی شیوه های جبران خسارت در مسئولیت مدنی در ایران و حقوق نوین اروپا

زهرا آقابابا
دکترای حقوق خصوصی و مدرس دانشگاه پیام نور ایران

چکیده

مهمترین هدف مسئولیت مدنی اعم از قهری و قراردادی جبران خسارت است. به نحوی که زیان دیده با جبران خسارات وارده در موقعیتی قرار گیرد که اگر قرارداد منعقد نمی شد یا فعل زیانبارمحقق نمی گشت اکنون وی در آن وضعیت قرار داشت. برای نیل به این هدف شیوه های متفاوتی درحقوق ایران و حقوق نوین اروپا پذیرفته شده است. یکی از عواملی که برای تحقق مسئولیت قراردادی و مسئولیت مدنی هر دو لازم است وجود ضرر یا خسارت می باشد که جبران آن هم در هر نوع مسئولیتی باید دارای شرایط ویژه‌ای باشد. پس از احراز وجود خسارت (ضرر) در کنار سایر شرایط تحقق مسئولیت، نوبت به جبران خسارت می‌رسد. مسئولیت مدنی از مفاهیم دیگر از جمله مسئولیت کیفری متمایز است و ممکن است مسبوق به امر کیفری باشد یا نباشد و در نتیجه جبران خسارت گاهی همراه با مجازات است و گاهی بدون آن. مسئولیت مدنی و کیفری از لحاظ معیار سنجش و هدف مسئولیت متمایز می باشند؛ در حالی که معیار سنجش در مسئولیت مدنی میزان زیان وارده است، این معیار در مسئولیت کیفری وابسته به شدت خطا یا تقصیر در زیر پا گذاشتن قاعده ی عمومی لازم الاجرا می باشد. هدف مسئولیت مدنی، حمایت از منافع شخص زیان دیده به وسیله ی جبران می باشد. اگر چه مسئولیت مدنی با مسئولیت قراردادی در بسیاری از جهات مشترک می باشد و اختلاف عمده ای که موجب تعدد آن شود وجود ندارد، در موارد جزیی نحوه جبران در این دو نوع مسئولیت تفاوت هایی وجود دارد که در مقایسه با حقوق نوین اروپا در این پژوهش بدین موضوع پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: جبران خسارت، مسئولیت مدنی، زیاندیده، حقوق نوین اروپا، خسارت مادی، خسارت معنوی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مقدمه:

یکی از موضوعات مهم جامعه تحلیل جبران ها در مسئولیت مدنی می باشد. مسئولیت مدنی در معنای عام، شامل مسئولیت قراردادی و مسئولیت قهری، که همان مسئولیت مدنی در معنای خاص است، می باشد. مسئولیت قراردادی عبارت است از التزام و تعهد قانونی متعهد متخلّف به جبران خسارتی که در نتیجه‌ی تخلّف او از انجام تعهد، به متعهد له وارد شده است ولی در مسئولیت مدنی به معنای خاص، شخص، قراردادی با زیاندیده منعقد ننموده است و قانون، تحت شرایطی، او را به جبران خسارت وارده به دیگری ملتزم می نماید. پس، یکی از عواملی که برای تحقق مسئولیت قراردادی و مسئولیت مدنی هر دو لازم است وجود ضرر یا خسارت می باشد که جبران آن هم در هر نوع مسئولیتی باید دارای شرایط ویژه ای باشد.

بنابراین چنانچه خسارت بدون جبران باقی بماند، حق مفهوم عینی خود را از دست داده و صرفاً جنبه ذهنی خواهد داشت آنچه امروزه می تواند در جهت حفظ ثبات قراردادها و تضمین حقیقی برای اجرای تعهد به کار رود جبران مناسب و کامل خسارات می باشد چرا که متعهد قراردادی را ملزم به اجرای تعهد می‌گرداند و از طرف دیگر نقض تعهدات رابه طور چشمگیری کاهش میدهد. که در این پژوهش به بررسی شیوه های جبران خسارت در مسئولیت مدنی در ایران و حقوق نوین اروپا پرداخته می‌شود.

بحث و بررسی:

مسئولیت در اصطلاح حقوقی به معنای پاسخگو بودن شخص در قبال اعمالی است که عرفاً به وی مستند می باشد و مسئولیت مدنی زمانی به وجود می آید که شخص به حکم قانون ملزم به جبران خساراتی باشد که به دیگری وارد نموده است. همچنین مسئولیت مدنی، مسئولیتی است که در برابر ایجاد خسارت به وجود می‌آید و به وجود آورنده ی خسارت را ناگزیر از جبران می‌نماید. بنابراین، هرجا که شخص در برابر دیگری مسئول جبران خسارت باشد، آن‌جا مسئولیت مدنی وجود دارد. (جعفری‌لنگرودی ۱۳۷۸: ۶۴۵) ر اساس این مسئولیت، بین زیان زننده و زیاندیده رابطه‌ای خاص به وجود می‌آید که همان جبران خسارت است. بنابراین، مسئولیت مدنی در معنی عام و وسیعش، هم مسئولیت قراردادی و هم مسئولیت خارج از قرارداد را در بر می‌گیرد زیرا، در هر دو مسئله ی مهم، بحث جبران خسارت است اما تفاوت اساسی این دو مسئولیت، به وجود یا عدم وجود قرارداد بین طرفین بازمی گردد. در واقع، منشأ مسئولیت مدنی از جائی آغاز می‌شودکه بین طرفین قراردادی برای انجام تعهد وجود نداشته باشد. مسئولیت مدنی ناشی از نقض قرارداد نیست، در حالی که مسئولیت قراردادی مسئولیتی است که در نتیجه ی تخلف از مفاد قرارداد خصوصی پدید می‌آید. اما باید توجه داشت که هدف مهم و اساسی هر دو مسئولیت جبران خسارت زیاندیده است. این هدف بیشتر در خصوص خسارات مادی و مالی مصداق پیدا می کند زیرا، در خسارات معنوی جبران خسارت به معنای دقیق وجود ندارد. لذا، در این نوع خسارت سعی می‌شود که رضایت نسبی زیان دیده جلب شود. (بادینی، ۱۳۸۴: ۳۹) باید توجه نمود که در این قسم خسارات ممکن

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

است عملی که با هدف جلب رضایت نسبی زیان دیده انجام می گیرد خود باعث عدم رضایت بیشتر وی گردد و اثر عکس داشته باشد. لذا جبران خسارت و نوع جبران باید دقیقاً با در نظر داشتن روحیات زیاندیده انجام گیرد.

اهداف عمده ی مسولیت مدنی:

جبران خسارت

همانظور که گفته شد، مسئولیت مدنی، مسئولیتی است که در برابر ایجاد خسارت به وجود می‌آید و به وجود آورنده ی خسارت را ناگزیر از جبران می‌نماید. در خصوص هدف مشترک مسئولیت قهری و قراردادی گفته می‌شود؛ قلمرو این دو نوع مسئولیت به خسارات و آسیب های وارده به دارایی های مادی و مالی زیاندیده محدود نمی‌شود بلکه، این هدف اموری راکه جنبه ی مادی ندارند و معنوی محسوب می‌شوند نیز، دربرمی گیرد. مانند درد و رنج، آسیب بر شهرت و یا حقوق مربوط به شخصیت، از بین بردن آبرو، حق تألیف و امثالهم.

در زیان معنوی به علت اینکه امکان جبران زیان و منافع از دست رفته به همان شکل و یا مشابه آن وجود ندارد، گفته شده به منظور جلب رضایت زیان دیده و اینکه قواعد و اصول حقوقی مانند عدالت و انصاف نادیده گرفته نشود، قانونگذار چاره را در پرداخت مبلغی وجه نقد دیده تا بتواند از این طریق دردهای وارد بر ایشان را تا حدودی التیام بخشد. اما، میان حقوقدانان در خصوص ضرورت جبران خسارت به شیوه های مختلف از جمله پرداخت نقدی، اختلاف نظر وجود دارد. عده ای از حقوقدانان بر این باورند که نه تنها تقویم خسارت معنوی به پول، دشوار و با مشکلاتی همراه است بلکه به نوعی اهانت به شخصیت بزه دیده تلقی می گردد. به عبارت دیگر نمی توان زیان وارد به اعتبار شخصی که آبرو و حیثیت برایش مهم است، با پول جبران نمود زیرا، پرداخت نقدی نمی تواند آبرو و حیثیت از بین رفته را زنده و احیاء نماید. در مقابل، موافقان به جبران نقدی خسارت معتقدند؛ جبران خسارت با پول گرچه نمی تواند برگشت دهنده ی آبرو و حیثیت یا اعتبار از دست رفته باشد اما راهی برای تسکین آلام و تامین خرسندی معنوی بزه دیده به شمار می رود و پرداخت نقدی به زیان دیده راه دستیابی به این اهداف را هموار می‌سازد، به علاوه اینکه قانون اساسی نیز مطالبه ی خسارت معنوی را پذیرفته است.

در واقع زمانی که به زیاندیده توجه می‌شود، قانونگذار سعی می نماید عامل زیان را مجبور نماید تا وضعیت زیاندیده را تا حد ممکن و کافی به وضعیت قبل از ورود زیان تبدیل نماید. از آنجا که در خسارات معنوی این امکان وجود ندارد، لذا پرداخت مبلغی پول بهتر از عدم انجام هیچ اقدامی در این زمینه است.

در حقوق اسلام و قواعد شرعی حاکم بر حقوق ایران نیز، نمی توان پرداخت پول در قبال خسارات معنوی را هدف مسئولیت مدنی در این نوع خسارات دانست زیرا، مشخص نیست با پرداخت چه مبلغی رضایت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

زیاندیده جلب می‌شود. در عمل، مراجع قضایی در تعیین این نوع خسارات، تقریباً با معیارهای نوعی عمل می نمایند در حالیکه اگر هدف جلب رضایت زیاندیده باشد باید مبلغ مورد انتظار وی به ایشان پرداخت شود. (همان، ص ۴۰.) همچنین، در آسیب معنوی ارضاء خاطر قربانی و دلجویی از او نیز عرفاً نوعی جبران خسارت محسوب می‌شود. ارضاء خاطر قربانی نیز ممکن است با پرداخت پول یا روش های دیگری مانند عذرخواهی، اظهار ندامت و شرمندگی عامل زیان محقق گردد.

با توجه به مباحث گفته شده میتوان گفت که مؤثرترین وسیله ممکن جهت جبران خسارات معنوی پرداخت مال یا مابازأ مادی به خسارت دیده است. زیرا همان طور که اشاره شد در بسیاری از موارد که صدمت روحی و عاطفی شدید است کمتر می توان با اعتذاری شفاهی یا کتبی رنج و آلام و صدمات روحی خسارت دیده را التیام بخشید و چه بسا تأثیر چندانی بر جراحات درونیش نگذارد. مجازاتها و ضمانتهای اجرائی کیفری نیز صرفا برای حفظ نظم اجتماعی و رعایت حقوق عمومی است، در حالی که خسارات شخصی زیان دیده می باشد. بنابراین باید اذعان نمود که هیچ وسیله ای مؤثرتر و کاراتر از پرداخت وجه یا انتقال مال با رعایت تناسب بین فشارهای روحی وارده و مابازاء مالی آن نمی توان به دست داد زیرا طریقه جبران خسارات معنوی در نظامهای حقوقی غرب که تجربه طولانی تری در این زمینه دارند جایگاهی وسیع یافته است. در این نظامها قوای مقننه با تصویب قوانین متعدد و صریح روشهای مطلوبی را جهت جبران خسارات معنوی به روش مادی مقرر داشته اند. محاکم قضائی به ویژه دادگاههای عالی نیز بر ضرورت جبران خسارت معنوی از طریق پرداخت پول یا اموال مادی پا فشرده اند.

ب) بازدارندگی

هدف دیگری که می توان برای مسئولیت مدنی، اعم از قهری و قراردادی، مقرر نمود، جنبه ی بازدارندگی وارد کننده ی زیان با الزام وی به جبران خسارت است. به این معنی که، قانونگذار واردکننده ی زیان را مکلف به جبران خسارت زیاندیده نموده تا هم باعث التیام وی شده و هم ضربه ای مالی برای تنبیه فاعل زیان باشد زیرا، عامل زیان با فعل نامشروع و غیر قانونی خویش از حد و حدود تعریف شده ی حق خود خارج شده و حقوق خویش و از این طریق به حقوق دیگران لطمه وارد نموده است، قانونگذار برای جبران این تعدی و تفریط، جبران خسارت را به عنوان تنبیه لحاظ نموده تا وی نتایج و پیامدهای افعال غیر قانونی و نامتعارف خویش را تحمل کند (بادینی، پیشین: ۴۰) و در افعال بعدی و اجرای حقوق خویش، به حد و حدود قانونی و متعارف احترام بگذارد. در حقیقت، عدم برخورد با خاطیان حریم حقوق خصوصی و مالی افراد موجب می‌شود تا چنین تجاوزهایی تبدیل به یک فرهنگ غلط شده و حقوق اشخاص به خطر افتد.

مطابق مطالب فوق، جبران خسارات زیاندیده نوعی جزای نقدی تعریف شده است. بسیاری از حقوقدانان در کشورهای غربی همچون فرانسه و آلمان نیز اینگونه اظهار نظر نموده اند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

در فقه و حقوق ایران، نمی توان مدعی پذیرش صریح این نظریه شد لیکن، شاید بتوان اظهارات برخی از فقها و منابع فقهی را در این راستا تعبیر نمود. به عنوان مثال، «کسانی برای اثبات مشروعیت مسئولیت مدنی به ادله ی تعدی و مقابله به مثل استناد کرده اند مانند؛ آیه ی۴۰ سوره ی مبارکه ی شوری مبنی بر اینکه پاداش بدی، بدی مثل آن است، یا آیه ی ۱۹۴ سوره ی مبارکه ی بقره، مبنی بر اینکه اگر متعدی را عقوبت کردید، به اندازه ای بر او تعدی و تجاوز کنید که او بر شما تجاوز نموده است». (بادینی، پیشین) البته به نظر می رسد نتوان آیات فوق را حمل بر جنبه ی مجازات داشتن جبران خسارت نمود بلکه این آیات صراحت در جبران تمام زیان و اعاده به وضعیت سابق دارند.

هدف ثانویه ی مسئولیت مدنی محدود به شخص وارد کننده ی زیان نیست یعنی، اگر جبران خسارت باعث می‌شود تا عامل زیان تنبیه شود و در نتیجه ی جبران خسارت درس گیرد، همین آثار را می‌توان برای اشخاص ثالث در نظر گرفت چه اینکه، اشخاصی غیر از عامل زیان نیز با مشاهده ی اجرای قواعد حقوقی جبران خسارت می آموزندکه اگر زمانی به حقوق دیگران تجاوز کنند، باید همانند این شخص زیان های وارده را از اموال خویش جبران کنند لذا، در ایفای حقوق و تعهدات خویش همواره دقت می‌نمایند تا از متعارف و معمول تجاوز و تعدی ننمایند.

ج) حفظ نظم در جامعه

از مهمترین اهداف مسئولیت مدنی، می توان به اجرای قواعد و اصول مسلم حقوقی در خصوص تنظیم حقوق و وظایف افراد اشاره کرد به این معنی که، اگر اشخاص در اعمال و فعالیت خود هیچ مرز و محدوده ای را در نظر نگیرند، حقوق افراد با یکدیگر تعارض و تضاد پیدا کرده و نظم و انضباط اجتماع به هم می ریزد به گونه ای که هر شخصی ادعا می کند حق موجود متعلق به وی می باشد. قواعد و اصول مسلم حقوقی مانند اجرای عدالت و انصاف، اصل احترام به حقوق دیگران و قواعدی مانند قاعده‌ی لاضرر، بنیان یک جامعه ی هدفمند و منضبط را طراحی می نمایند. زیر مجموعه ی این اصول و قواعد نیز مقرراتی است که به صورت قانون از جانب قانونگذار وضع می‌شود تا هر شخص حریم حقوق خود و دیگران را بشناسد و پا را از دایره ی حقوق خویش فراتر نگذارد. در واقع، قاعده مند نمودن و انضباط دادن به امورات مادی، مالی و روابط معاملاتی بین مردم مختلف از یک جامعه این هدف را دنبال می‌کند. حقوق خصوصی با تضمین حقوق و آزادی شهروندان از این طریق نقش نظارتی حقوق عمومی را برعهده می‌گیرد. در غیر این صورت، مسلم است که هر شخص و دستگاهی تنها منافع شخصی خویش را مد نظر قرار می‌دهد و برای دستیابی به منافع بی پایان خود به هر کاری ممکن است دست بزنند. تداوم این وضعیت، باعث بی نظمی و هرج و مرج در جامعه و از بین رفتن قواعد و اصول حقوقی می‌شود. برای ممانعت از بروز چنین معضلات و مشکلاتی، ضمانت اجراهای مدنی وجود دارد که موجب می‌شود اشخاص حریم حقوق مالی خویش را در گرو احترام گذاشتن به حقوق مالی دیگران قرار دهند. حفظ

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

حریم حقوق اشخاص مختلف و ایجاد نظم و انضباط در جامعه، در توجه به اصولی مانند عدالت و انصاف که مقبولیت جهانی دارند، تأمین می‌شود. لذا، حفظ نظم و امنیت مالی با برقراری عدالت اجتماعی لازم و ملزوم یکدیگر هستند و رعایت آنها در گرو رعایت ضمانت اجراهای مدنی است.

شیوه های جبران خسارت در مسولیت مدنی:

بند اول: استرداد عین

بی تردید جبران زیان مهمترین هدف حقوق مسوولیت مدنی به شمار میرود. در این راستا ارزیابی خسارات قابل جبران و تعیین گستره آن اهمیتی بسزا دارد. همانند مرحله اثبات ورود زبان که برخی اصول اساسی به اقتضای نظام حاکم بر مسوولیت مدنی باید از سوی زیان دیده ثابت شود. در مرحله ارزیابی خسارت بویژه در خصوص غرامات نقدی، شماری از اصول بنیادین وجود دارد که باید محلوظ نظر دادگاه واقع گردید. در برابر برخی کشورها که دادرس از توانایی تعدیل غرامت و اختیار افزاینده و کاهنده در عرصه تقویم خسارات بهره مند است. در برخی نظامهای حقوقی مانند حقوق فرانسه اصلی که راهنمای قضاوت به شمار میرود. اصل جبران کامل زیان یا تعادل میان جبران و زیان خوانده میشود که به موجب آن جبران باید چنان معادل خسارت وارده باشد که افزون بر آنکه زیان دیده را از کاستی در دارایی مصون میدارد از دارا شدن ناروای او نیز جلوگیری کند. علیرغم انتقادی متعددی که بر این شیوه ارزیابی از سوی طرفداران اندیشه جبران منصفانه خسارات وارد شده است این اصل بواسطه انطباق با هدف نخستین مسوولیت مدنی و حمایت از حقوق زیان دیده، جایگاه مهمی در نظامهای حقوقی و کنوانسیونهای بین المللی اشغال کرده است.

از این رو شیوه‌های مختلف جبران خسارت در مسئولیت مدنی در واقع روشهای اجرای تعهد فاعل زیان است. با توجه به این که انواع ضررهای مادی، معنوی و جسمانی از نظر ماهیت با یکدیگر متفاوت هستند و هر یک نیز اشکال مختلفی دارند، روش‌های جبران آنها یکسان نیست. قوانین موضوعه ایران در خصوص نحوه ی جبران خسارت مادی برخلاف خسارت معنوی، رویه ای واحد پیش گرفته اند. مواد ۳۱۱، ۳۱۲ و ۳۱۷ قانون مدنی این گونه مقرر می دارد: «غاصب باید مال مغصوب را عیناً به صاحب آن رد نماید و اگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر به علت دیگری رد عین ممکن نباشد باید بدل آن را بدهد. » «هرگاه مال مغصوب بوده و مثل آن پیدا نشود غاصب باید قیمت حین الاداء را بدهد و اگر مثل موجود بوده و از مالیت افتاده باشد باید آخرین قیمت آن را بدهد. » «مالک می تواند عین و در صورت تلف شدن عین مثل یا قیمت تمام یا قسمتی ازمال مغصوب را از غاصب اولی یا از هر یک از غاصبین بعدی که بخواهد مطالبه کند. » نیز، ماده ی ۲۲۸ در باب اتلاف مقرر شده: «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل و یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است».

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

همچنین، ماده ی ۳۳۱ قانون مدنی در باب تسبیب مقرر نموده «هرکس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص و قیمت آن برآید» با ملاحظه‌ی نحوه جبران خسارت در قواعد کلی ضمان آور در قانون مدنی، مشخص است که قانونگذار در همه ی آن ها رویه ای واحد مد نظر داشته است. توضیح این که در مورد خسارت وارد به مال دیگری، سه حالت پیش می آید. حالت اول این است که مال وجود دارد. در این صورت، وارد کننده ی زیان باید عین مال را پس بدهد. حالت دوم این است که مال تلف شده است. حال اگر مال تلف شده مثلی باشد، وارد کننده ی زیان باید مثل آن را بدهد و در غیر این صورت، باید قیمت آن را بپردازد. حالت سوم زمانی پیش می آید که مال تلف نشده، اما قابل دسترسی نیست. در این صورت، باید بدل مال پرداخت شود. (عمیدزنجانی، ۱۳۸۲: ۱۸۲) این بدل در فقه اسلامی و حقوق ایران به بدل حیلوله معروف است.

بنابراین، اقدام نخستین در جبران خسارت مادی، در صورتی که کل عین مورد خسارت باشد، برگرداندن عین مالی است که زیان به آن وارد شده است. منظور، بازگرداندن وضع زیان دیده از عمل زیانبار در مرحله اجرای حکم به حالت پیش از وقوع آن عمل زیانبار، که طبیعی ترین راه ترمیم ضرر و زیان به شمار می آید، می باشد. هرچند این روش جبران خسارت، استرداد اموال و اشیاء حاصل از جرم یا عمل حقوقی را نیز در برمی گیرد ولی گاهی روش استرداد اموال را از شمول راه های جبران خسارت وارد بر زیاندیده خارج دانسته شده است. در این نظر از آنجا که قانونگذار تعیین تکلیف اشیاء مذکور را بر عهده ی مقام قضائی نهاده است، نیازی به تقدیم دادخواست نبوده و مقام صلاحیت دار ملزم به انجام وظیفه‌ی قانونی خویش است.

در حقوق بین الملل، دولتها مصوب کمیسیون حقوق بین الملل (۲۰۰۱) بخش دوم خود رابه جبران خسارت و شیوه های مربوط به آن اختصاص داده است. این اقدام کمیسیون را می توان پاسخی برای پر کردن خلا هایی که در حوزه مسئولیت بین المللی وجود داشت، دانست در میان شیوه های جبران خسارت، اگر چه اعاده وضع سابق نسبت به جلب رضایت و پرداخت غرامت، اولین و بهترین روش جبران خسارت می باشد. اما در اغلب موارد منجر به جبران خسارت می باشد. با این وجود، ضابطه تعیین غرامت، همواره یکی از مشأجره انگیزترین موضوعات حقوق بین الملل معاصر بوده است.

بند دوم: دادن مثل مال

خساراتی که در نتیجه ی عمل زیانبار وارد می‌شود، ممکن است به گونه ای باشد که مال موضوع خسارت را از بین ببرد یا اینکه آن را در حکم تلف قرار دهد. در این صورت، قطعاً استرداد عین مورد معامله غیر ممکن است. مثلاً؛ اگر حکم دادگاه تخلیه ی منزلی مسکونی باشد اما در جریان اجرای عملیات تخلیه محکوم علیه اقدام به پرت کردن کولر آن از بام ساختمان به داخل حیاط نماید، در این نوع خسارت به جهت اینکه عین موضوع خسارت در حکم تلف بوده و امکان تعمیر آن نیز وجود ندارد، عامل زیان

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

موظف است مثل آن را خریداری و به صاحب خانه (محکوم له) تحویل نماید. لذا، اولین فرضی که وارد کننده‌ی زیان می بایست اقدام به جبران خسارت به صورت مثلی نماید، زمانی است که عینی از آن مال به جا نمانده یا در حکم تلف باشد.

دومین فرضی که می توان به منظور جبران خسارت در نظر گرفت، زمانی است که برگرداندن عین مال باعث خسارت جسمی به شخص مسئول یا سایر افراد جامعه گردد. (باریکلو، ۱۳۸۷: ۶۵) نیز، در صورتی که بازگرداندن عین مال موجب ایجاد خسارت و ضرر به مال گردد و احتمال از بین رفتن مال موجود باشد. در این صورت نیز، بایستی حکم رد عین مال تعدیل و به روش دوم تغییر یابد. همچنین، اگر ماهیت و نوع مال در اثر تغییراتی که در آن ایجاد می‌شود قابل برگشت به حالت اولیه نباشد، دیگر نمی توان دستور رد عین مال را صادر کرد. در این حالت، مال در حکم تلف بوده (مدنی، پیشین: ۳۰۷) و حکم به بازگرداندن عین مال صادر نمی‌شود و جبران زیان به روش دیگری صورت می گیرد. بنابراین، چنانچه در جریان اجرای حکم، به مال زیاندیده خسارتی وارد شود که دیگر نتوان عنوان مال را بر آن اطلاق کرد، زیاندیده باید از طریق دیگری جبران خسارت نماید.

لذا در نظریه‌ی شماره ی ۷/۸۰۸۴ مورخ ۱۳۷۴/۱/۲۰ مقرر شده: «چنانچه محکوم‌به ارز خارجی بوده و امکان تهیه آن باشد، از همان ارز به محکوم‌له داده می‌شود. در غیر این صورت، قیمت ریالی محکوم‌به به ایشان پرداخت می‌گردد .» در این نظریه آمده است؛ نظر به اینکه محکوم‌به اصلی از اموال مثلی (دلار آمریکایی) بوده و با عنایت به استعلام مربوطه دسترسی به دلار آمریکایی در زمان اجرای دادنامه نبوده است، لذا چنانچه امکان تهیه ی آن در بازار آزاد (صرافی‌های مجاز)، ممکن باشد؛ با هزینه ی محکوم‌علیه تهیه و پرداخت می‌شود و در صورتی که از این طریق نیز تهیه آن ممکن نباشد، دادگاه ناگزیر قیمت ریالی آن را تعیین، از محکوم‌علیه وصول و به محکوم‌له پرداخت می‌نماید .بنابراین، ملاک در پرداخت مثل مال تلف شده زمانی است که امکان اعاده ی مال عرفاً وجود نداشته باشد یا اینکه استرداد آن به طور متعارف به صلاح طرفین نباشد. در این صورت، در صورت مثلی بودن مال باید مثل آن پرداخت شود و در صورت مثلی نبودن، باید قیمت آن به زیاندیده پرداخت شود.

برای نمونه، اگر اجرای احکام در جریان توقیف خودروی محکوم علیه به اشتباه خودروی پراید متعلق به ثالثی را توقیف کند، در صورتی که پراید توقیف شده صفر کیلومتر باشد و هنوز هیچ استفاده ای از آن نشده باشد، باید عین آن خودرو به ثالث (مالک) برگردانده شود ولی، در صورتی که خودروی توقیف شده مورد استفاده نیز قرار گرفته باشد، به جهت اینکه از صفر بودن خارج شده، باید علاوه بر استرداد خودرو مابه تفاوت قیمت آن نیز به مالک پرداخت گردد. در صورتی که خودرو توقیف و به مزایده گذاشته شده باشد و تحویل خریدار نیز شده باشد به جهت اینکه حکماً از بین رفته باید مثل آن یعنی یک عدد خودروی صفر کیلومتر تحویل زیاندیده شود اما، به جهت اینکه تحویل خودروی پراید صفر کیلومتر به جای خودروی قبلی غیر متعارف و می تواند برای وارد کننده ی خسارت، همراه با زیان باشد، معمولا

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

دادگاه ها در این موارد حکم به پرداخت قیمت می‌دهند. (عدل، ۱۳۷۳: ۲۴۰) این حکم بر مبنای عدالت و انصاف قابل توجیه می باشد.

در پرداخت قیمت و مثل مال موضوع خسارت، باید به مکان و زمان ایراد خسارت و جبران آن توجه شود. به این معنا که، در صورتی که برای وارد کننده ی زیان این امکان فراهم باشد که عین موضوع خسارت را بپردازد، باید اقدام نماید اما اگر لازم باشد که به محلی سفر کند که عرفاً دور به نظر می‌رسد، به جهت اینکه متحمل خسارت می‌شود، باید مثل یا قیمت را بدهد. زمان پرداخت خسارت نیز بدینگونه باید مورد توجه قرار گیرد.

لزوم جبران خسارت معنوی

یکی از اصول مهم حاکم بر روابط اجتماعی اصل ضرورت جبران زیان های وارده بر اشخاص به وسیله دیگران یا قاعده مسؤولیت مدنی به معنای خاص است. برخی حقوق دانان اروپایی این اصل را یکی از سه اصل اساسی حاکم بر روابط حقوقی انسانها دانسته اند. عده ای از فقهای بنام اسلام نیز در تفسیر قاعده معروف لا ضرر که از مهمترین و متداولترین قواعد فقه است معتقدند هدف از تشریع این قاعده معروف که چکیده بیان پیامبر بزرگ اسلام در واقعه تجاوزگری فردی به حریم خانوادگی یکی از انصار می باشد، عبارتست از: «محکوم کردن روحیه تجاوزگری و ارتکاب اعمال زیانبار علیه دیگران» و «تاکید بر رعایت و حفظ اعراض و نوامیس انسانها و خودداری از تعدی به حریم معنوی دیگران» همچنین «تاکید بر ضرورت جبران هر گونه خسارت اعم از مادی یا معنوی که به افراد وارد می‌شود» (مراغی، بی تا: ۱۱۱).

در خصوص جبران خسارت در قانون مدنی به عنوان قانون مادر در امور حقوقی، نامی از خسارت معنوی نبرده و شاید بتوان گفت که در زمان تدوین این قانون جبران خسارت معنوی رایج نشده بود اما با دقت در موادی از این قانون متوجه می شویم که قانونگذار مدنی کاملاً غافل از این امر نبوده است. به عنوان مثال، ماده ی ۱۳۰ قانون مدنی مقرر داشته: «کسی حق ندارد خانه خود را به فضای خانه همسایه بدون اذن او خروجی بدهد و اگر بدون اذن خروجی بدهد ملزم به رفع آن خواهد بود». یا ماده ی۱۳۲ آن که قاعده لاضرر را مورد پذیرش قرار داده. همچنین است مضمون مواد ۱۳۳، ۱۰۴۳، ۱۱۱۵، ۱۱۱۷، ۱۱۱۹، ۱۱۱۳۰، ۱۱۷۳. . . اما قانونگذار توجهی به جبران این خسارات نداشته و تنها راه فرار و برون رفت از فضای خسارت را ارائه داده است. مثلاً، ماده ی ۱۰۴۳ نحوه ی رفع مشکل عدم اجازه ی پدر یا جد پدری را که بدون علت موجه از دادن اجازه ازدواج دخترخود، امتناع می ورزد را بیان نموده است ولی از نحوه ی جبران خسارات ناشی از این عدم اجازه، ذکری به میان نیاورده است.

اما قانون مسئولیت مدنی در موارد متعددی به جبران خسارت معنوی تأکید دارد. مثلاً در آخر ماده ی ۱ مقرر شده: «. . . لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئوول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد» یا درماده ی ۳ این قانون، پس ازتأکید برجبران خسارت مادی یا معنوی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

زیاندیده در ماده ی ۲، اختیارتعیین میزان زیان ونحوه ی جبران آن به عهده ی دادگاه گذاشته شده است. مواد ۹ و ۱۰ این قانون نیز به امکان جبران خسارت معنوی از راه های مادی تصریح نموده است. به موجب مادهی ۱۰، شیوه ی جبران خسارت از طریق الزام به عذرخواهی و درج حکم درجراید و امثال آن پیش بینی شده است.

در این خصوص، به موادی از قانون آیین دادرسی مدنی نیز می‌توان اشاره کرد. مثلاً در تبصره ی مادهی ۲۲۵ این قانون مقرر شده: «چنانچه بر دادگاه محرز شود که منظور از اقامه ی دعوا تأخیر در انجام تعهد یا ایذاء طرف یا غرض ورزی بوده دادگاه مکلف است درضمن صدورحکم یا قرار مدعی را به تأدیه سه برابر هزینه دادرسی به نفع طرف متقابل محکوم نماید. » یا در ماده ی ۲۷۱ این قانون که مقرر شده: «چنانچه بر دادگاه محرز شود که دعوای ثالث با تبانی با یکی ازطرفین دعوا برای اطاله رسیدگی اقامه شده درصورت محکومیت ثالث به بی حقی دادگاه مکلف است علاوه برخسارات قانونی او را به دو برابرهزینه دادرسی به نفع دولت محکوم نماید. » همانگونه که ملاحظه می‌شود، در این قوانین بیشتر به مصادیقی از خسارت معنوی و جبران آن اشاره شده است. این موضوع، در برخی از قوانین دیگر نیز مشاهده می‌شود. مانند، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی (مخصوصاً بخش حدود و دیات مانند مواد ۴۵۰، ۴۵۳، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۸و۵۰۹)، قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مقررات مربوط به مطبوعات و مقررات مربوط به سوء استفاده از علامت تجارتی، اسم تجارتی، طرح ها و مدل های صنعتی و حق مخترع.

نتیجه گیری:

به طور معمول، هدف قواعد و اصول مسئولیت مدنی جبران ضرری است که وارد شده و به گذشته نظر دارد. لذا، هیچ گاه نباید وسیله ی انتفاع و بهره برداری شخص متضرر قرار گیرد و این در حالی است که در مسئولیت قراردادی اصولاً هدف از جبران خسارت آن است که متعهد له به شرایطی برسد که اگر متعهد به تعهد خود عمل می‌نمود، بدان شرایط دست می یافت. جبران هایی مانند خیار و حق حبس در کنار پرداخت خسارت وجود دارد که البته در مسئولیت مدنی نیز اگر فعل زیانبار قابل تکرار باشد، دستور منع ارتکاب دوباره ی آن، به عنوان جبران، می تواند مطرح باشد. روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی، که همانا شیوه‌های اجرای تعهد فاعل زیان می‌باشند، بر مبنای اهداف مسئولیت مدنی تعیین می‌گردند. اهداف موردنظر عبارت‌اند از: جبران کامل خسارت، جلب رضایت زیان‌دیده و بازگرداندن وضع پیشین وی. با توجه به اینکه اصالت این اهداف در نظام‌های حقوقی متفاوت است، شیوه‌های تأمین آن‌ها یکسان نیست. این راه‌ها به‌طور کلی عبارت‌اند از: جبران عینی یا اعادهٔ وضع سابق که در اشکال مختلف نمود می‌یابد؛ و جبران معادلی که خود بر دو نوع، جبران غیرنقدی خسارت (دادن بدل و مثل) و جبران نقدی (پرداخت پول)، است. اصول کلی روش‌های یادشده در نظام‌های مختلف کم‌وبیش یکسان

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

است، اما کیفیت استفاده از آن‌ها و ترجیحاتی که به هریک داده می‌شود، در نظام‌های حقوقی متفاوت است. دو شیوهٔ اصلی جبران خسارت در عرض هم نیستند تا هرکدام از عامل زیان یا زیان‌دیده بتواند به میل خود یکی را اختیار کند. اما ترتیب تقدم و تأخر میان آن‌ها به نظم عمومی ارتباط ندارد؛ لذا طرفین می‌توانند برخلاف آن تراضی کنند یا دادگاه طریق متناسب را برگزیند (مادهٔ ۳ قانون مسئولیت مدنی).

در حقوق ایران هدف مسئولیت مدنی و مسئولیت قراردادی، اعاده زیان دیده به حالت سابق واحد است.

در قانون مدنی فرانسه، روی هم رفته پنج ماده به مسؤولیت مدنی ناشی از جرم اختصاص یافته است و تقصیر، مبنای واحد این موضوع را فراهم می آورد. شرط اساسی، اصل عمومی مسؤولیت مدنی است که در مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ و۱۳۸۵ و ۱۳۸۶، مربوط به خسارات وارد آمده توسط طبقات خاصی از اشخاص، حیوانات یا، همچنین مواد ۱۳۸۴ساختمان ها، اعلام گردیده است. مواد ۱۳۸۴ به بعد، چه از نظر مشروح مذاکرات آن، و چه شرح هایی که پس از پیدایش این قانون آمده اند، استثنائاتی بر اصل مسؤولیت به خاطر تقصیر نیستند، بلکه کاربردهای خاصی هستند که توسط برخی اوضاع و احوال توجیه می شوند. یکی از موضوعات بحث برانگیز در حقوق ایران، خسارات قابل مطالبه در مسئولیت قراردادی است. مواد ۲۲۱ و ۳۸۶ قانون مدنی ایران مبتنی بر دیدگاهی است بسیار مضیق و حداقلی از خسارت؛ دیدگاهی که عملاً منجر به ناکارآمدی نظام حقوقی در مواجهه باتخلفات قراردادی شده است. ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی نیز با اعلام این که خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست، بر مشکل نظام جبران خسارت در حقوق ایران افزوده است. قانون ایران، مسئولیت را به موضوعاتی خاص محدود نموده است، بنابراین در برخی موارد فردی که جبران کننده خسارت باشد وجود ندارد. مواد ۹۲۱، ۹۵۲ و ۹۵۳ تقصیر را تعریف نموده اند. این مواد تقصیر را کاهش تخلف یا تضییع حقوق دیگران میدانند. مواد فوق، تئوری تقصیر را به عنوان بنیانی مهم برای مسئولیت مدنی پذیرفته اند. قانونگزاران فرانسه به طور غیرمستقیم در گذشته مسئولیت مدنی را پذیرفته و دکترین آن را بعدا مورد پذیرش قرارداده اند و مسئولیت مدنی را در سیستم بیمه استفاده نموده اند. این ثابت میکند که مسئولیت مدنی در جامعه ضروری است. مسؤولیت مدنی، تا اواخر قرن نوزدهم، دوره ثباتی را تجربه کرده است، در آن زمان جهت گیری حقوق به طرف مسؤولیت نوعی" مجزا از تقصیر" بود. ابتدای این تحول مبتنی بر دو عنصر است: اولا، ملاحظه مشکلات ناشی از لزوم اثبات تقصیر، و ثانیا، تمایل به بر عهده گرفتن مسئولیت که توسط شرکت های بیمه پیشنهاد میگردد. علیرغم اصلاحاتی که در برخی کشور های اروپایی پدید آمده است تعداد مواردی که در آن زیان دیده توانسته خسارت خود را مطالبه نماید اندک است.

براساس ماده ۱۰:۱۰۱ در اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی، ماهیت و هدف جبران خسارت، به صورت پرداخت پول به زیان دیده است؛ بدین معنا که میزان مبلغی که اگرتخلف صورت نمی‌گرفت، زیان دیده در آن وضعیت قرار می‌گرفت، باید به زیان دیده مسترد شود. جبران خسارت، همچنین نقش کمک به پیشگیری از ورود خسارت راایفا می کند، در این اصول به جبران خسارت به صورت پرداختهای نقدی و یا

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

اقساط، آنگونه که به ویژه با توجه خاص به منافع زیا ندیده مناسب ا ست، حکم داده می‌شود. یکی دیگر از طرق جبران خسارت براساس ماده ۱۰۴. اعاده وضع به حالت سابق می باشد که زیا ندیده می تواند اعاده وضع به حالت سابق را خواستار شود؛البته درصورت امکان و همچنین در صورتی که برای طرف دیگر، بسیار سنگین و غیرقابل تحمل نباشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

فهرست منابع و مآخذ

۱- ابدالی، مهرزاد، ۱۳۸۹، بررسی جایگاه عنصر معنوی در مسئولیت مدنی با رویکرد تطبیقی، مجله علمی پژوهشی مطالعات حقوقی، دانشگاه شیراز.

۲- امینی، عیسی، نوعی، الیاس، ۱۳۹۱، قواعد عام مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان با نگاهی به حقوق ایران، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه آزاد تهران مرکز، دوره ۵، شماره ۱۶

۳- امینی، منصور، برجیان، علی، "جبران خسارات قراردادی در حقوق مدنی کانادا (ایالت کبک)"۱۳۹۳، تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۶۸

۴-پارسا پور، محمد باقر؛ حسینی، سید میلاد؛ شاهی، احد، قابلیت جمع شیوه‌های جبران خسارت قراردادی در حقوق اسلام و ایران درمقایسه با اسناد بین المللی، ۱۳۹۴، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۳

۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۹۰، محشای قانون مدنی، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش

۶- داراب پور، مهراب، اصول کلی مسئولیت مدنی در سیستم حقوقی انگلستان، ۱۳۸۷، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۲

۷-راعی، مسعود، شریفیان، صفرعلی تقصیر در مسئولیت مدنی و عدالت، ۱۳۹۰، اندیشه‌های حقوق عمومی، شماره ۱

۸- سواد کوهی فر، سام، "تعزیر مدنی، شیوه تکمیلی جبران خسارت"، ۱۳۸۱، مجله دادرسی، شماره ۳۵

۹- صفایی، سید حسین، ذاکری نیا، حانیه، ۱۳۹۴، بررسی تطبیقی شیوه های جبران خسارت درمسئولیت مدنی غیر قراردادی فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی - دوره ۴۵، شماره ۲، تابستان

۱۰- صفایی، سید حسین، حبیب الله، رحیمی، ۱۳۹۰، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت

۱۱-طباطبایی نژاد، سید محمد، چالش تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت با نگاهی به نظام اتحادیه اروپا، ۱۳۹۲، فصلنامه دیدگاههای حقوق قضایی، شماره ۶۲

۱۲-عرب سرهنگی، مژده، ۱۳۹۲، خسارات اعاده ای و اتکایی در حقوق انگلیس و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد موسسه غیردولتی دانشگاه علم و فرهنگ تهران

۱۳-کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶، الزام های خارج از قرارداد، انتشارات دانشگاه تهران

۱۴-میرشکاری، عباس، حقوق شخصیت و حقوق مسئولیت مدنی در اروپا، ۱۳۹۶، شرکت سهامی انتشار، تهران

۱۵-میرشکاری، عباس، صمدی، افروز، اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی، ۱۳۹۵، شرکت سهامی انتشار، تهران

۱۶- بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۱۷- عمیدزنجانی، عباسعلی، موجبات ضمان، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۲

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۱۸- باریکلو، علی رضا، مسئولیت مدنی، انتشارات میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۷

۱۹- مدنی، جلال الدین، حقوق مدنی، جلد سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات پایدار

۲۰- عدل، مصطفی، حقوق مدنی (منصورالسلطنه)، چاپ پنجم، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۳

منابع انگلیسی

__ Bernhard A. Koch, The "European Group on tort Law" and Its "Principles of European Tort Law", The American Journal of Comparative Law, Vol. 53, 2005, pp. 189-206

__ Cafaggi, Fabrizio, (2006), the institutional framework of European private law, New York, oxford

__ Principles of European Contract Law (also known as PECL 1998), principle 8-102

__ White Paper on Damages actions for breach of the EC antitrust rules, Brussels, 2 .4 .2008, COM(2008) 165 final

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]